

گردها در سوریه

نوشته دکتر کمال سیدو

ترجمه ناصر ایرانپور

در باره نویسنده مقاله:

دکتر کمال سیدو، کرد سوریه و مقیم آلمان می‌باشد. وی در سال ۱۹۶۱ در کردستان سوریه به دنیا آمده، در سال ۱۹۸۰ به مسکو رفته و در آن دیار در دانشگاه به تحصیل در رشته تاریخ و خاورشناسی پرداخته است. در سال ۱۹۸۹ پیش محقق شهیر روس، پروفیسور لازارف در مؤسسه شرق‌شناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی بعنوان تاریخدان - خاورشناس دکترا گرفته است. چند ماه پس از آن مجبور به ترک روسیه شده و پس از اقامت کوتاهی در لبنان، در سال ۱۹۹۰ راهی آلمان شده است.



سیدو در ماربورگ آلمان اولین مجموعه شعری کردی خود تحت عنوان «فریادهایی از غربت» را منتشر نمود. ترجمه آلمانی این اثر نیز به زودی از سوی انتشارات «بلاوه هورنر فرلاگ» ماربورگ انتشار خواهد یافت. در سال ۱۹۹۴ کتاب آموزش زبان وی تحت عنوان «کردی برای آلمانی‌ها» و همچنین رساله دکتراش تحت نام «روسیه و مسئله شرق» (به زبان روسی) منتشر گردید. در سال ۱۹۸۶ نسخه تلخیص‌شده پایان‌نامه لیسانس‌اش به نام «روسیه و کردها در نیمه دوم سده ۱۹ تا اکتبر ۱۹۱۷» انتشار یافت. این کار نیز به عربی ترجمه گردیده است و بزودی انتشار خواهد یافت. وی، مضاف بر این، نویسنده مقالات متعددی به زبانهای کردی، عربی، روسی، آلمانی و ترکی می‌باشد. سیدو مسئول دوره‌هایی برای آموزش زبانهای کردی، عربی، روسی و همچنین اسلام‌شناسی در «مدارس بزرگسالان خلق» و دانشگاههای ماربورگ و گیسین می‌باشد. وی همچنین مترجم رسمی زبانهای آلمانی، روسی، کردی و عربی می‌باشد.

دکتر سیدو در حال حاضر در شهر ماربورگ آلمان زندگی می‌کند و از سال ۲۰۰۲ ریاست شورای مشورتی خارجیان این شهر را عهده‌دار است و از آوریل ۲۰۰۶ مسئول بخش خاور نزدیک «جامعه دفاع از خلقهای تحت تهدید» می‌باشد. این جمعیت یک سازمان غیرانتفاعی، غیردولتی، فراحزبی حقوق بشری در آلمان می‌باشد و تاکنون منشاء خدمات فراوانی به کرد به ویژه از طریق انتشار کتب تاریخی در باره کردستان و افشاء جنایات رفته بر آن بوده است.

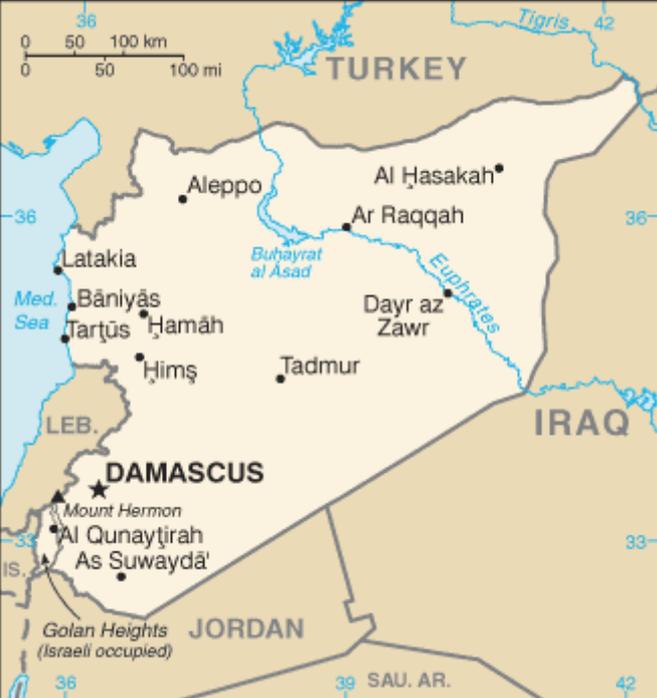
سکونتگاه و جمعیت

در سوریه تخمیناً بین ۲ الی ۳ میلیون نفر کُرد زندگی می‌کنند. سکونتگاه اکثریت آنها در شمال سوریه، از سواحل دریای مدیترانه شروع شده، در نوار مرز شمالی سوریه با ترکیه امتداد یافته و به نواحی مرزی جنوب این کشور با عراق متصل می‌گردد و استانها و شهرهای کُردی قامیشلو، حسکه، عموده، طل‌گوچر، ساره کانیه (رسول عین)، تریه سپی (قبور عابد)، با یک کمانه‌ای به طرف جنوب تا شهر حسکه را در برمی‌گیرد. در غرب شهر عفرین، منطقه کُرد- داغی (کوههای کُرد) شمال حلب، جبال سامان، در منطقه کلیسای سیمون کُردنشین می‌باشند. علاوه بر این برخی از مناطق مسکونی کُردها در شمال غرب، در نزدیکی ایدلیب، کافر تاخاریم، اقامتگاه اصلی قهرمان آزادیبخش کُرد سوریه، یعنی ابراهیم ال‌حنانو، قرار دارد که از سوی هر سوریه‌ای مورد پرستش قرار می‌گیرد. در غرب نیز در منطقه یسیر الشکور در مرز شهر حماح آبادیهای به هم پیوسته کُرد وجود دارند. یک چهارم مردم شهر حلب کُردتبار می‌باشد. در سمت شرق حلب، دوروبر منطقه باب و حواشی نیز مناطق مهم مسکونی کُردها در سوریه قرار دارند. سمت شرقی تر منطقه کُردداگ در امتداد مرز سوریه - عراق از منطقه جبارلوس گرفته تا منطقه کوبانی (عین‌العرب) مساحتی حدود حداقل ۲۵۰۰۰ کیلومتر مربع منطقه کُردنشین شمال سوریه را تشکیل می‌دهد. همچنین در دمشق پایتخت هم چند صد هزار کُرد زندگی می‌کنند. آرامگاه امیر شهیر کُرد، صلاح‌الدین ایوبی، نیز در این شهر قرار دارد.

جمعیت سوریه در حال حاضر ۱۶ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر می‌باشد که حداقل ۱۵ درصد این تعداد کُرد می‌باشد.

تاریخچه

سوریه امروز در سال ۱۹۲۰ بر اساس پیمان نهانی موسوم به «سایکس پیکو» که در ۱۶ مه ۱۹۱۶ بین انگلستان و فرانسه منعقد گردید، از ترکیه عثمانی جدا و تحت قیمومیت فرانسه درآمد. در نهم مارس ۱۹۲۱ طی قراردادی خط راه آهن بغداد که توسط آلمانی‌ها در بحبویه جنگ جهانی اول ساخته شده بود، بعنوان خط مرزی بین ترکیه و سوریه جدیدالتأسیس تعیین گردید. به سبب این مرز مصنوعی کُردها ناگهان از همدیگر جدا گردیدند. مناطق جنوبی این خط راه آهن اکنون دیگر به خاک کشور جدید سوریه تبدیل شدند، مناطق شمالی آن تحت حاکمیت ترکیه باقی ماندند.



این جدایی عواقب سیاسی، فرهنگی و اقتصادی فراوانی برای کردهای شمال و جنوب خط راه آهن به همراه داشت. مناطق بیشماری تقسیم و تجزیه شدند، هزاران خانواده پاره پاره شدند. مرزهای جدید تا دهه ۵۰ میلادی از جانب کردها در ترکیه و در سوریه نادیده گرفته شدند. اما پس از یک بحران بین ترکیه و سوریه در اواخر دهه ۵۰ ترکها مرزها را بستند.

کردهای تحت قیمومیت فرانسویها از حقوق سیاسی و فرهنگی زیادی برخوردار بودند. بین ۱۹۳۲ الی ۱۹۴۳ در سوریه روزنامه‌ای به نام «هاوار» که اهمیت زیادی برای کردها داشت، منتشر می‌شد، اما این نشریه در سالی که سوریه مستقل از فرانسه گردید، بسته شد. بستن این روزنامه یکی از اولین اقدامات حاکمان سوری علیه موجودیت کرد بود.

مقاومت در مقابل سیاست تعریب اجباری و سیاست حذفی

در سال ۱۹۶۲ کردها با یک نقشه جدید عربی - ناسیونالیستی روبرو گشتند. در استان حسکه، واقع در شمال شرقی سوریه، یک سرشماری جمعیت صورت گرفت. بعنوان نتیجه این سرشماری یک‌شبه ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار کرد بعنوان «افراد بی کشور» معرفی گردیدند. تعداد این انسانهای «بی‌سرزمین» امروزه در سوریه ۳۰۰ هزار کرد می‌باشد. این انسانها ۴۴ سال پس از این جریان هنوز در سزمین خود از هیچ حقی برخوردار نیستند. آنها حتی شناسنامه، گذرنامه، ... و یا هر سندی که هویت حداقل سوری آنها را نشان دهد، دریافت نمی‌دارند. آنها تنها حق برخورداری از برگه‌ای حاوی اسم و عکس خود را دارند که در آن قید گردیده «بی‌سرزمین». هدف رژیم سوریه از این اقدام به اقلیت تبدیل کردن کرد در استان نفت خیز کردی بود. از آن زمان جامعه سوریه با مشکل به اصطلاح «مکتومین» یا «اجانب» (ثبت نشده‌ها یا بیگانگان) روبرو می‌باشد.

با اتمام بنای سد فرات در اواسط دهه ۷۰ میلادی، رهبری حزب بعث سوریه در دمشق ایده جدایی و انشقاق «بهرتر» مناطق کردنشین سوریه از مناطق کردنشین ترکیه و عراق را دنبال نمود. در این راستا نقشه «کمر بند عربی» ریخته شد. یک نوار مرزی به عمق ۱۰ - ۱۵ کیلومتر در امتداد مرز ترکیه و سوریه «خالی از کردها» گردید. ساکنان دیرباز این مناطق به زور به مناطق دیگر کوچانده شدند. به جای آنها عشایر عرب از نواحی مرکزی کشور، از منطقه سد فرات، به مناطق کردی آورده و در آنها اسکان داده شدند.

به موازات اقدامات ضد کردی فوق تعقیب سیاسی کردها شدت یافت. دهها سیاستمدار کرد دستگیر و برای سالهای طولانی بدون محاکمه پشت میله‌های زندان حبس شدند. زبان کردی، نشریات و کتب کردی، موسیقی کردی، نامهای کردی افراد، مناطق، شهرها، اماکن، میادین و ... ممنوع گردیدند. در آن زمان کردها فقط مخفیانه می‌توانستند، مراسم نوروز را جشن بگیرند. تنها از ابتدای دهه ۸۰ بود که کردها توانستند مراسم نوروز را کم یا بیش قانونی جشن بگیرند. اما ممنوعیتهای عمومی علیه زبان و فرهنگ کردی همچنان پابرجا ماندند. در سوریه نشریات، رادیو و تلویزیون به زبان کردی محلی از اعراب ندارد. تاکنون مخالفان این تضيیقات با تعقیب سیاسی، شکنجه و مرگ روبرو شده‌اند، اما جنبش ملی کرد از پای نایستاده است. مردم کرد سوریه از مبارزه ملی هم‌تباران خود، هم در عراق و هم در ترکیه بطور فعال حمایت نموده است.

پس از فروپاشی بلوک شرق در ابتدای دهه ۹۰ جنبش ملی کرد جان تازه‌ای گرفت. تأثیر اندیشه طبقاتی و جنبشهای کمونیستی در کردستان به حداقل خود رسید. برعکس، نفوذ احزاب ملی‌گرای کرد افزایش فراوانی یافته است.

به ویژه پس از ۲۰۰۱ اشکال مدنی و صلح‌آمیز مبارزه در بین کردها دست بالا یافت. نافرجامی مبارزه مسلحانه پ. ک. ک. در کردستان ترکیه و ۱۱ سپتامبر، رویدادهای کردستان عراق و به ویژه هویت فدرال آن مهمترین عوامل یک تغییر رویکرد بودند. در سالهای ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳ احزاب سیاسی کرد اعتراضات متعددی را در دمشق و شهرهای دیگر سازماندهی نمودند. کردها خواهان آزادیهای فرهنگی و سیاسی بیشتری شدند. اعطای تابعیت به اشخاص «بی‌سرزمین» همچنان جزو اولین خواسته‌های آنها قرار داشت. در سالهای اخیر اعتراضات کردها در سوریه هم لز لحاظ کمی و هم از حیث کیفی افزایش یافته است.

قیام مارس ۲۰۰۴

در ۱۲ مارس ۲۰۰۴ نزاعی بین طرفداران دو تیم عرب و کرد ناآرامیهای سنگینی در مناطق کرد سوریه بار آورد که در آن طرفداران تیم عربی با دادن شعار به نفع صدام حسین با استفاده از چاقو و چماق به جانبداران تیم کردی یورش بردند و آنها را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند.

در عرض چند روز این ناآرامیها از قامیشلی در شرق تا عفرین در غربی‌ترین ناحیه کشور گسترش یافت. در شهرهای بزرگ نیز چون دمشق و حلب اعتراضات مردم به وقوع پیوست. در مورد علت واقعی این «دعوی فوئال» تنها می‌توان گمانه‌زنی کرد. اما واقع امر این است که این قیام از سوی کردها سازماندهی نشده بود. پس از آغاز قیام بود که اعتراضات سازمان‌یافته و هماهنگ‌شده مردم در نواحی مختلف صورت گرفت. عواقب این قیام برای تمام طرفین سنگین بود. حکومت مجبور بود بپذیرد که هر تحریک ضدگردی برای رژیم بسیار گران تمام خواهد شد. و اما تعداد زیادی از سازمانهای گردی نیز برایشان عیان گشت که آنها با ساختارهای سیاسی تأسفاتانگیزشان بسیار از توده‌های خلق عقب‌ترند. هم اپوزیسیون ضعیف گردی و هم خارج با یک جنبش دینامیک و نیرومند سیاسی مردمی روبرو شدند، مقصود از این جنبش توده‌های برخوردار از خودآگاهی ملی گرد می‌باشد.

پس از ۲۰۰۴ کردهای سوریه‌ای مقیم خارج نیز فعالتر به میدان آمده‌اند. آنها تلاش می‌کنند پلاتنفرم مشترکی را بین خود سازماندهی کنند. گفتگوهایی نیز با کشورهای خارج، به ویژه با آمریکا، انجام گرفته است.

گردهای سوریه اگر می‌خواهند در فعل و انفعالات سیاسی در مقابل عمل انجام‌شده‌ای قرار نگیرند و غافلگیر نشوند، باید وضعیت در این کشور را به دقت زیر نظر داشته باشند. در سوریه اپوزیسیون دمکراتیک نیرومندی که بتواند آلترناتیو جدی برای رژیم یعنی این کشور باشد، وجود ندارد. توده‌های عرب این کشور به آسانی با شعارهای پان‌عربی و پان‌اسلامی قابل تهیج و بسیجند. در این رهگذر وظایف مهمی پیشروی جنبش ملی گرد در این کشور قرار دارد.

جنبش ملی گرد در سوریه

با وجود اقدامات شوونیستی دولت یعنی سوریه و انشقاقی که جنبش گرد از آن رنج می‌برد، تلاشهای مبارزان گرد سوریه علیه دو پدیده نامبرده، علی‌الخصوص در راستای فاتح آمدن بر چنددستگی در میان خود، از حرکت بازناستاده است. برای نمونه سه حزب گردی در سوریه، یعنی حزب دمکرات کارگردستان در سوریه، حزب چپ گردستان/کنفرانس، حزب دمکرات گردستان سوریه (پارتی)، در سال ۱۹۹۰ وحدت نمودند و حزب نوی به نام حزب دمکرات متحد گردستان سوریه بوجود آوردند. در سال ۱۹۹۲ یک رهبری جدید از چند جریان گردی، یعنی حزب دمکرات زحمتکشان گردستان سوریه، حزب اتحادیه مردم گردستان سوریه و حزب دمکرات متحد گردستان سوریه بوجود آمد. در پی آن اولین کنگره مشترک این احزاب، یعنی کنگره وحدت آنها، در آوریل سال ۱۹۹۳ تشکیل شد. حزب جدیدالتأسیس «حزب دمکرات واحد گردستان سوریه» (یه‌کیه‌تی/اتحادیه) نام گرفت. با وجود تلاشهای انجام گرفته جهت تشکیل ائتلاف یا جبهه‌ای مشترک از احزاب گردستان سوریه، کردهای سوریه از ظهور مشترک در صحنه سیاسی که ضرورتی عاجل دارد، فرسنگها فاصله دارند.

دو حزب کمونیست سوریه نیز تا سال ۱۹۹۰، سال افول اردوگاه سوسیالیستی، مسئله مستقلی به نام «مسئله ملی گرد» نمی‌شناختند و آنرا در بهترین حالت تابع حل مسئله طبقاتی می‌دانستند. آری، هر چند اکثریت اعضای جنبش چپ و سوسیالیستی سوریه را کردها تشکیل می‌دادند و می‌دهند و هر چند این جنبش از لحاظ سیاسی و اعتقادی نزدیکترین متحد و پشتیبان گرد بشمار می‌آید و در حقیقت خدمات فراوانی به کردها نموده است، اما از پذیرش مسئله گرد از حیث به رسمیت‌شناسی حق تعیین سرنوشت بری آن، فاصله طولانی دارد و حتی می‌توان گفت که از خط رسمی دولت سوریه در قبال مسئله گرد خارج نشده است.

خواستهای کردها در سوریه

مطالبات کردها در سوریه عبارتند از آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تجمع، آزادی فعالیت احزاب اپوزیسیون گردی و غیرگردی، پایان دادن به سیاست تعریب در تمام اشکال خود، برخورداری از نشریات، برنامه‌های رادیو و تلویزیون به زبان گردی، آموزش به زبان گردی، پرداخت غرامت به قربانیان تعریب و سلب مالکیت‌شده، بازگرداندن عربهای در دهه ۶۰ و ۷۰ اسکان داده شده در مناطق گردی به مناطق اصلی خودشان، فسخ و ابطال تمام اقداماتی که در سال ۱۹۶۲ منجر به سلب تابعیت و حقوق شهروندی از چند صد هزار گرد گردیده است، آزادی تمام زندانیان سیاسی، به رسمیت شناختن گرد به عنوان ملیت دوم سوریه، برابری آنها با عربها و درج و تضمین آن در قانون اساسی. در سالهای اخیر شعارهای فوق به خواست حق تعیین سرنوشت، خودمختاری و فدرالیسم فراورئیده است.